

بیانیه سازمان آزادی زن

حجاب سر درد رژیم اسلامی

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی، ترفند های رژیم اسلامی!

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی هر روز گسترده تر می شود. 35 سال است که رژیم اسلامی دائما برای تحمیل حجاب اسلامی به زنان جان می کند. از همان اوان به قدرت رسیدن، رژیم اسلامی مبارزه برای کشیدن حجاب اختناق بر سر جامعه را با کشیدن حجاب اسلامی بر سر زنان همراه کرد. حجاب و آپارتاید جنسی یک رکن مهم و پایه ای اسلام است. لیکن قدرت یابی جنبش اسلامی در ایران، به حجاب و آپارتاید جنسی بعدی سیاسی - ایدئولوژیک بخشید و حجاب را به بیرق این جنبش سیاه بدل کرد. مبارزه علیه آزادی با مبارزه برای برقراری آپارتاید جنسی در جامعه و بردن زنان زیر حجاب اسلامی آمیخته شد. اکنون پس از سی و پنج سال، بورش به زنان برای محکم کردن حجاب به نرم تحرکات رژیم اسلامی بدل شده است. گشودن افسار وحوش حزب الهی و بسیج و انداختن آنها به جان زنان و دختران نوجوان یک امر دائمی این حکومت است.

صفحه ۲



آیا حجاب باید ممنوع شود؟

صفحه ۲

آذر ماجدی

یاد کارگران جانباخته معدن سوما گرامی است!

ترازوی قتل عام بیش از ۳۰۰ کارگر معدن سوما، سند دیگری از جنایت سرمایه داری علیه کارگران و خانواده های کارگری است. دست خونین سرمایه داری در چهار گوشه جهان، از میدان تاسیم و معادن ترکیه تا ماریکانا و خاتون آباد و معادن شیلی و چین و آمریکای دمکرات، هر لحظه جنایت میکند. محل کار در بیشتر نقاط جهان "کشتارگاه" است. قاتلین معلوم و معرفی اند اما قانون سرمایه داران اجازه میدهد که راست راست راه بروند. آمار قتل های موسوم به "حوادث محیط کار" در سراسر جهان به اندازه قربانیان یک جنگ وسیع و گرم دولتها است. در اعتراض به جنایت بزرگ معدن سوما و در دفاع از حرمت و امنیت جانی طبقه کارگر در هر جای جهان، باید علیه مسببین این فجایع و ترازیدها اعتراض کرد. در اینروزها باید کنار کارگران و مردم آزادیخواه ترکیه بود که در اعتراض به دولت ارتجاعی اردوغان بمیدان آمدند.



مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

حجاب سر درد رژیم اسلامی

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی، ترفند های رژیم اسلامی ...

این چینی است. ترفند جدید هم ابداع نام "آزادیهای یواشکی" برای جنبش وسیع و علنی مبارزه علیه حجاب است. می اندیشند که می توانند برای مدتی هم که شده مبارزه را از خیابانها به گوشه های دنج و خلوت ببرند؛ تصور می کنند که شاید زنان باین ترتیب خشم و عصیان خود را خالی کنند و "سر براه" شوند؛ خیال می کنند می توانند سر زنان را مدتی گرم کنند؛ خیال می کنند!

جنبش آزادی زن جنبشی عمیق و توده ای است. جنبش آزادی زن آنتی تز جنبش اسلامی است. جنبش آزادی زن یک رکن اساسی و تعیین کننده جنبش سرنگونی رژیم است. باید این جنبش را هر چه بیشتر تقویت و تحکیم کرد. مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک جبهه مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی است. سازمان آزادی زن خود را بخش لایتجزای این جنبش می شناسد. سازمان آزادی زن با تمام قوا برای پیروزی این جنبش مبارزه می کند. تلاش موفق برای پیروزی مستلزم شناختن هر دست انداز و چاله ای است که این رژیم و نعلین بوسهای ملی - اسلامی آن در مقابل این جنبش ایجاد می کنند. تقویت ماهیت رادیکال و سرنگونی طلبانه آن یکی از ارکان اصلی مبارزه پیروزمند است. سازمان آزادی زن از هر تلاش زنان برای مقابله با رژیم اسلامی و مظاهر ارتجاعی و قیود اسلامی با تمام قوا حمایت می کند. آزادی زن تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکانپذیر می شود.

**زنده باد آزادی و برابری!
نه به حجاب اسلامی!**

سازمان آزادی زن
18 مه 2014

هر زمانی "وصله ناجور" بودن این رژیم با جامعه ایران آشکار تر می شود.

حال که رژیم با این سرپیچی آشکار و استقامت زنان و جنبش آزادی زن روبرو شده است، دو جناح آن هر یک ترفندهای خود را برای مقابله با جنبش آزادی زن علم کرده است. بیست سال است که دو جناح رژیم هر یک بطریق خود برای حفظ رژیم و "بیضه" اسلام می کوشند. باصطلاح جناح "راست" به قشری گری محض روی می آورد و اعلام می کند که هیچ سر پیچی و هیچگونه نماد "غربی گری" را نخواهد پذیرفت؛ تظاهرات زنان و مردان حزب الهی در روزهای اخیر با شعار رعایت حجاب سفت و سخت و

سازمان آزادی زن با تمام قوا برای پیروزی این جنبش مبارزه می کند. تلاش موفق برای پیروزی مستلزم شناختن هر دست انداز و چاله ای است که این رژیم و نعلین بوسهای ملی - اسلامی آن در مقابل این جنبش ایجاد می کنند. تقویت ماهیت رادیکال و سرنگونی طلبانه آن یکی از ارکان اصلی مبارزه پیروزمند است. سازمان آزادی زن از هر تلاش زنان برای مقابله با رژیم اسلامی و مظاهر ارتجاعی و قیود اسلامی با تمام قوا حمایت می کند.

اعتراض به بی حجابی و "بد حجابی" از ترفندهای این جناح است. اصلاح طلبان حکومتی و جریان ملی - اسلامی نیز با تلاش برای آب ریختن به خواسته های زنان و زدودن رادیکالیسم از تحرکات زنان بنوبه خود برای حفظ رژیم و اسلام می کوشند. این نقش جریان ملی - اسلامی و اصلاح طلب حکومتی است. کارنامه باصطلاح "کنشگران" عرصه زنان ملی - اسلامی مملو از تحرکات و ترفندهای

علیرغم آنکه یک حکومت اسلامی بیش از سه دهه بر جامعه حکم رانده است، با وجود اینکه تبلیغ خرافات اسلامی هر روزه و هر ساعت از رسانه ها و در مدارس پخش می شود و علیرغم هجوم دائمی و وحشیانه به زنان، رژیم اسلامی نه تنها موفق نشده که حجاب را به یک نرم در جامعه بدل کند، بلکه هر روز با ترفند جدیدی از طرف جنبش آزادی زن روبرو می شود. ابتکارات فردی و جمعی زنان در به ریشخند گرفتن حجاب اسلامی تحسین برانگیز است. پوشش زنان در جامعه به یک جبهه دائمی جنگ بدل شده است. اگر کسی نداند که در ایران حجاب اجباری است، پوشش بخش وسیعی از زنان را بعنوان حجاب نخواهد دید، به آن بعنوان یک مد جدید نگاه خواهد کرد. در ابتدا فسیل های از گور برخاسته اسلامی از حجاب سیاه سخن می گفتند؛ با روبرو شدن با مبارزات زنان و مقاومت آنها، به مانند و شلوار و چارقد رضایت دادند. اینهم مشکل شان را حل نکرد. سعی کردند هر نوع نماد و مدرنیسم را ممنوع کنند، از شلوار جین، عینک آفتابی تا چکمه. زنان این فاز را نیز درنوردیدند.

سال پیش تصاویر زنان امر به معروفی کتک خورده وسیعاً منتشر شد. صحنه های کتک زدن این مفلوکان و کشیده شدن حجاب از سر آنها گسترده شد و کار به ضرب و شتم آخوندها رسید. با مواجهه با این وضعیت خامنه ای و روحانی به ماموران منکرات دستور دادند که حساب شده کار کنند. بتازگی سر و صدای آخوندها در آمده که در برخی محلات زنان بی حجاب آمد و شد می کنند. زنان در تهران و برخی شهرهای دیگر بی حجاب در ماشین ها می نشینند. عکس زنان بی حجاب در خیابانها پخش میشود. زنان عصیان خود علیه حجاب اسلامی، برای روییدن قیود اسلامی و برای خلاصی فرهنگی را به مرحله دیگری برده اند. این واقعیت جامعه ایران است. بیش از

اسلام ضد زن است!



آذر ماجدی

آیا حجاب باید ممنوع شود؟

تحلیلی از حجاب و جایگاه آن

تحلیلی از حجاب و جایگاه آن

با تصویب ممنوعیت برقع و نقاب در امکان عمومی در فرانسه، یکبار دیگر مساله حجاب، آزادی مذهب و پوشش، حقوق مدنی و سکولاریسم (لانیسته) و تبعیض علیه یک محیط اجتماعی معین، محیط مسلمان، در صدر اخبار و مسائل بحث برانگیز اجتماعی قرار گرفته است. مساله حجاب بویژه در دهه اخیر بعنوان یک مساله حاد در جوامع غربی مطرح بوده است. چند سال پیش در انگلستان دختری که حجاب کامل از سر تا پا می پوشید مدرسه ای را که حجاب کامل را ممنوع کرده بود به دادگاه کشاند؛ در هلند چند سال پیش دولت مساله ممنوعیت برقع را طرح کرد؛ در بلژیک پارلمان ممنوعیت برقع را به تصویب رساند، اما بحران دولتی عملا اجرای آنرا بتعویق انداخت.

هر بار که دولتی تمایل خود به ممنوعیت حجاب را در شکل یا فرمی طرح می کند، اسلامیت ها و برخی سازمان های مدافع آزادی مذهب و حقوق مدنی بحث حول این مباحث را در رسانه ها و جراید کشوری مطرح می کنند.

اسلامیت ها و برخی سازمان های حقوق بشر اعلام می کنند که جامعه باصطلاح مسلمان از واقعه تروریستی یازده سپتامبر مورد تبعیض و حملات راسیستی قرار گرفته است. بر همین مبنا استدلال می کنند که تلاش برای ممنوعیت برقع و نقاب تعرض به آزادی های فردی و حمله راسیستی دیگری به جامعه مسلمان است. برای روشن شدن صحت و سقم این ادعاها باید این مسائل را مورد تحلیل و بررسی عمیق تر قرار داد.

بنظر من دفاع مطلق از پوشش حجاب، یعنی در هر شکل و فرم آن و در هر شرایطی، بعنوان دفاع از آزادیهای فردی یا آزادی پوشش کاملا اشتباه و گمراه کننده است.

چنین استدلالی حقوق دیگر برسمیت شناخته شده در جامعه، حقوقی اگر نه مهم تر به همان اندازه مهم را تحت الشعاع قرار می دهد. دفاع بی قید و شرط و مطلق از پوشش حجاب با حقوق دیگر در تناقض قرار می گیرد؛ بطور نمونه، حقوق کودک، حقوق زنان، حق جامعه و اصل سکولاریسم. در دفاع از آزادی پوشش حجاب باید شرایط مختلفی را در نظر گرفت. ۱- سن فردی که حجاب می پوشد؛ ۲- میزان حجاب، یعنی تا چه میزان از بدن را می پوشاند؛ ۳- در کجا حجاب مورد استفاده قرار گرفته است.

چرا این فاکتورها باید در نظر

گرفته شود؟

قبل از هر چیز باید حجاب را تعریف کرد و جایگاه آنرا شناخت. آیا حجاب فقط یک مد لباس یا یک نوع لباس است؟ بحثی که می کوشد حجاب را فقط یک نوع لباس قلمداد کند، کاملا گمراه کننده است. پوشیدن حجاب یک اصل و دستور مذهبی و پوشش مذهبی است؛ بعلاوه، در شرایط کنونی حجاب به بیرق یک جنبش شدید ارتجاعی و ضد زن، یعنی اسلام سیاسی، بدل شده است. حجاب به سمبل قدرت اسلامی بدل شده است. هر جا اسلامیت ها قدرت سیاسی را بدست گرفته اند یا در قدرت سیاسی سهیم شده اند، حجاب را با زور شلاق و شکنجه بر زنان تحمیل کرده اند. تحمیل حجاب بر زنان سمبل قدرت گیری و پیروزی اسلام سیاسی و جنبش اسلامی است.

چرا این استدلال به بحث ما مربوط میشود؟ ممکن است در مقابل این بحث چنین استدلال شود که صرفنظر از خصلت مذهبی یا سیاسی حجاب، فرد باید در پوشیدن هر سمبل مذهبی یا

سیاسی آزاد باشد. پاسخ به ادعای اخیر از زاویه اصول و قوانین حاکم در جوامع مدرن منفی است. در بسیاری جوامع از جمله جوامع غربی، در بسیاری مشاغل یک کد یا نرم پوشش وجود دارد. بطور نمونه در بخش پزشکی، پلیس، آتش نشانی، و ادارات هر نوع پوششی آزاد نیست. این نرم از طرف جامعه پذیرفته شده و رعایت می شود. لذا حجاب نیز باید از همین زاویه مورد بررسی قرار گیرد.

یا بطور نمونه، موتور سواران و در برخی جوامع دوچرخه سواران باید کلاه ایمنی بسر داشته باشند؛ لذا ادعای برخی مذاهب یا تعلقات ملی به پوششی بر سر که مانع پوشیدن کلاه ایمنی است، پذیرفته نمی شود. حجاب نیز باید در حیطه همین مقولات مورد بررسی قرار گیرد. اما بنظر می رسد که نه تنها اسلامیت ها، بلکه برخی سازمان های حقوق بشر و چپ نیز حجاب را بعنوان مقوله ای کاملا مجزا و منحصر بفرد در نظر می گیرند.

این استاندارد دو گانه را باید مورد نقد جدی قرار داد. باید هر نوع "حجاب" روماننتیکی که بر حجاب کشیده شده است را درید و جعلیات و مغلظه های فلسفی و حقوقی حول این مقوله را شکافت. حجاب سمبل مذهب، ایدئولوژی و جنبش سیاسی ای است که زن را بی ارزش و بی حقوق قلمداد می کند. حجاب ابزار و سمبل بی حقوقی و بردگی زن است.

اسلام، همچون تمام مذاهب دیگر، زن ستیز و مردسالار است. اسلام محصول یک نظم مرد سالار است و بعلاوه مردسالاری موجود را ارتقاء داده و در اشکالی کنکرت تر و

آیا حجاب باید ممنوع شود؟

تحلیلی از حجاب و جایگاه آن ...

حجاب یک تعرض مستقیم و خشن به حقوق دختر بچه‌ها است. حجاب دختران را از یک زندگی نرمال، شاد و رشد آزادانه و سالم محروم می‌کند. حجاب از همان طفولیت جدایی دو جنس را بر جامعه تحمیل می‌کند. دختر از همان طفولیت تحت تبعیض مسلم قرار می‌گیرد. می‌آموزد که باید نوع دیگری عمل و فکر کند؛ باید توقعاتش را از زندگی کاهش دهد؛ درونی میکند که هویت و موجودیت مستقل ندارد؛ باید خاموش و مطیع باشد. حجاب ابزاری برای تثبیت بی‌حقوقی زن، بندگی زن و آپارتاید جنسی در جامعه است. لذا برای دفاع از حقوق کودک، ممانعت از تعرض به حقوق کودک، آسیب رساندن به شخصیت و رشد کودک، حجاب باید برای کودکان ممنوع شود.

استدلالی که در مقابله با این خواست انسانی، بر دفاع از آزادی مذهب تاکید می‌کند، کاملاً پوچ و مسخره است. "کودک مذهب ندارد." این مذهب اولیاء و خانواده است که بر کودک تحمیل می‌شود. لذا تا زمانی که کودک، کودک است، باید از تعرض مذهب محفوظ باشد. زمانی که به سن قانونی رسید، آنگاه می‌تواند میان بندگی و آزادی انتخاب کند. جامعه در مقابل حقوق کودک و رشد سالم و نرمال وی مسئول است و باید این مسئولیت خود را جدی بگیرد؛ همانگونه که کار کودک را ممنوع اعلام کرده است؛ تنبیه بدنی کودک جرم محسوب می‌شود؛ سوء استفاده جنسی از کودک جرم است و آموزش و پرورش کودک اجباری است؛ حجاب نیز باید در رده این مقولات قرار گیرد و پوشش آن برای دختر بچه‌ها ممنوع شود. حجاب یک تعرض مسلم جسمی و روحی به کودک است.

جامعه سکولار در برابر حجاب

در یک جامعه سکولار، مذهب امر خصوصی و شخصی شهروندان است و باید از دولت، قوانین، آموزش و پرورش و هویت شهروندی جدا باشد. به یک معنا دولت در برابر مذاهب خنثی است و هیچ مذهبی را تشویق و تبلیغ نمی‌کند. یک جامعه سکولار قابلیت دفاع بیشتری از حقوق فردی و مدنی

صفحه ۵

مقابل در می‌گیرد. این یک عرصه خاکستری و بحث برانگیز است. در اینجا است که باید به عرصه‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد پردازیم.

ممنوعیت حجاب برای

دختران زیر سن قانونی

یکی از دستاوردهای جامعه مدرن برسمیت شناختن کودک بعنوان انسانی مستقل و ضربه پذیر است. این آگاهی، تصویب منشوری بعنوان منشور حقوق کودک را ضروری کرده است. تمام جوامع متعلق به سازمان ملل، در شکل فرمال یا واقعی و با درجات مختلف در اجرای منشور، منشور حقوق کودک را برسمیت شناخته‌اند. هدف این منشور دفاع از حقوق کودک و ممانعت از سوءاستفاده و آسیب رساندن به کودک است. جامعه باید در مقابل حق کودک به یک زندگی نرمال، ایمن و شاد مسئول باشد. رشد نرمال و سالم یک کودک از مسئولیت‌های اجتماع و نه فقط اولیای کودک است. این منشور کودک را در مقابل آسیب و سوءاستفاده اولیاء و خانواده نیز محفوظ می‌دارد و یا باید محفوظ بدارد. مبارزات بسیاری انجام گرفته است تا ایده سنتی، پدرسالارانه و فنودالی که کودک را مایملک پدر محسوب می‌کند به مصاف بطلد.

این یک دستاورد مهم است که در اساس مذهب را به مصاف می‌طلبد. زیرا طبق اصول مذهبی کودک مایملک پدر است. در اسلام پدر یا پدر بزرگ حق دارند کودک را بکشند و هیچ مقامی حق دخالت در این امر را ندارد. باین ترتیب منشور دفاع از حقوق کودک بعنوان یک انسان مستقل و دارای حقوق ویژه، این اصل پایه‌ای مذهب را باطل اعلام می‌کند. لغو حقوق بی‌قید و شرط اولیاء، در واقع پدر بر کودک، باید به دختران تحت اسلام نیز بسط یابد.

محدود کننده تر تثبیت کرده است. اسلام، بویژه در تمام جوانب زندگی شخصی، خصوصی و اجتماعی انسان نفوذ کرده است. اسلام قوانین و مقررات بسیار مردسالارانه‌ای بر مناسبات میان زن و مرد در خانواده و جامعه مقرر کرده است. آپارتاید جنسی مشخصه نظام سیاسی-اجتماعی اسلام است.

زن، طبق اسلام، موجودی مستقل و صاحب رای و اراده نیست. زن تداوم مرد محسوب می‌شود. زن متعلق به مرد، پدر، پدر بزرگ، برادر یا شوهر است. خود هیچ موجودیت و هویت مستقلی ندارد. اصلاً بدون مردی که صاحبش باشد، در جامعه بحساب هم نمی‌آید. حجاب تجویز شده است، تا مایملک مرد را از تعرض مردان دیگر محفوظ بدارد؛ مانند سیم خارداری که دور خانه‌ای کشیده می‌شود تا از ورود دزد به خانه جلوگیری کند. یک زن "آزاد"، بدون "صاحب"، در اسلام مال "حلالی" است برای تعرض هر مردی.

این یک بحث و ادعای پوچ است که حجاب را صرفاً یک نوع پوشش در نظر بگیریم. باید تاکید کرد که حجاب در زندگی میلیون‌ها زن که تحت قانون اسلام زندگی می‌کنند، ابزاری برای بندگی و بی‌حقوقی است.

با این وجود ممکن است استدلال شود، که اگر کسی تصمیم بگیرد یک زندگی برده وار را انتخاب کند، باید بتواند چنین کند. جامعه مدنی مدرن پاسخ متفاوتی به این استدلال ارائه می‌دهد. در جامعه مدرن که برخی حقوق انسانی و فردی برسمیت شناخته شده است، منشورهایی در دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و غیره بتصویب رسیده است. در این جوامع حتی کوشیده می‌شود که انسان را از آزار رساندن بخود مانع شوند. با همین متد، می‌توان و باید محدودیت‌هایی بر پوشیدن حجاب برقرار کرد. در اینجا است که اختلافات و بحث‌های

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

افراد دارا است. بر خلاف نظر حاکم که یک جامعه سکولار را مخالف آزادی مذهب قلمداد می کند، یک جامعه سکولار از آزادی افراد در اعتقاد به هر مذهبی دفاع می کند و محکم تر در مقابل تحریکات نفرت مذهبی مقاومت می کند.

از اینرو در یک جامعه سکولار پوشیدن یا حمل هر نوع سمبل مذهبی در ادارات و بنیادهای دولتی ممنوع است. چنین قانونی بر مبنای جدایی دولت از مذهب و عدم دفاع حکومت از یک مذهب معین تدوین شده است. لذا بر دیوار ادارات دولتی هیچ عکس و سمبل مذهبی از صلیب تا الله یا ستاره مخصوص مذهب یهود خبری نخواهد بود. انداختن صلیب به گردن، پوشیدن کلاهک یهودی توسط مردان و حجاب توسط زنان ممنوع خواهد بود. باین ترتیب از هر نوع تداخل مذاهب در ادارات و مجامع دولتی پرهیز می شود. تبعیضات مذهبی کاهش می یابد و تفرقه و جدایی های مذهبی تعدیل می شود.

بنابراین، بنظر من قانون اخیر در فرانسه که پوشیدن و حمل هر نوع سمبل مذهبی را در ادارات و اماکن دولتی ممنوع می کند، قدم مثبتی به پیش است. اما این قانون باندازه کافی به پیش نمی رود. چرا که مدارس مذهبی خصوصی هنوز در فرانسه آزاد هستند. این مدارس به محیطی برای تبعیض مضاعف، تفرقه و جدایی بیشتر، و گتو سازی بدل می شود. باید مدارس مذهبی خصوص نیز ممنوع شود تا هر کودکی از یک محیط برابر تر برای رشد و آموزش برخوردار شود.

برقع و نقاب، یک حق فردی یا تعرض به یک حق اجتماعی

حجاب در اشکال مختلفی اعمال می شود. از روسری تا چادر و برقع و نقاب اشکال مختلف حجاب محسوب می شوند. در سال های اخیر، برقع بعنوان سمبل طالبان شناخته شده است. نظامی بشدت ارتجاعی که ضد انسانی ترین شرایط را بر یک جامعه تحمیل کرده است و موقعیت زنان را از احشام نیز پایین تر برده است.

سوال اساسی اینجاست که آیا یک زن باید "آزاد" باشد که برقع یا نقاب بر چهره خود بکشد؟ بنظر من خیر. ممنوعیت برقع و نقاب را از دو نقطه نظر می توان مورد دفاع قرار داد. ۱- دفاع از حق زنان؛ ۲- دفاع از حق جامعه.

در بالا اعلام کردیم که حجاب ابزار و سمبل بردگی زن است. و بر همین مینا استدلال کردیم که حجاب باید برای دختران زیر سن قانونی ممنوع شود. اما پذیرفتیم که در یک جامعه آزاد افراد بزرگسال باید مجاز باشند که در صورت "تمایل" حجاب را "انتخاب" کنند. همچنین از محدودیت هایی که جامعه بر "خود آزاری" مقرر می کند، نیز صحبت کردیم. بطور نمونه، ختنه دختران که پس از یک مبارزه طولانی نام درست تری بر آن گذاشته شد، یعنی مثله جنسی دختران، در بسیاری از جوامع متمدن ممنوع شده است. مدافعین حقوق زن و کودک بدنبال یک مبارزه طولانی و متمرکز توانستند توجه جامعه را به این عمل وحشیانه جلب کنند و آنرا بعنوان یک جنایت برسمیت بشناسانند.

در اینجا باید تاکید کرد که آزادی مذهب بمعنای آزادی عمل کردن به تمام دستورات و اصول مذهبی نیست. برخی مذاهب به قربانی کردن انسان ها در مقابل خدایان معتقدند؛ برخی به مثله جنسی دختران؛ برخی به بی حقوقی و آزار جسمی و روحی انسان ها؛ برخی به سوزاندن زن بیوه به همراه جسد شوهرش؛ تمام این رسوم و دستورات در کشورهای متمدن غیرقانونی است و باید در تمام دنیا ممنوع شود. مطابق اسلام مرد حق دارد زن "سرکش اش" را تنبیه بدنی کند؛ آیا باید این دستور آزاد باشد؟ روشن است که نباید چنین باشد و مردی که به این دستور عمل می کند با قانون روبرو خواهد شد.

برقع و نقاب نیز در رده همین دستورات مذهبی است و باید ممنوع شود. برقع و نقاب زن را از هر نوع هویتی محروم می کند. زن را به یک روح بی هویت و شکل بدل می کند، هویت انسانی را از او سلب می کند. اجازه پوشش آن بمعنای قبول

صفحه ۶

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور



نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

موجوداتی بی هویت است که مانند ارواح در گوشه و کنار جامعه در تحرک اند و این یک توهین مسلم به زن و حقوق و انسانیت اوست. جامعه نباید به چنین بی احترامی و تعرضی به زن اجازه بروز دهد. نقاب و برقع باید تحت قانون "خود آزاری" غیرقابل مجاز قرار گیرد. حال از این استدلال می گذریم که هیچ انسان صاحب اختیاری حاضر نمی شود که چنین توهین و محدودیتی را آزادانه انتخاب کند!

در برخورد به مقوله نقاب و برقع ما از حیطه حقوق فردی عبور می کنیم و به حیطه حقوق اجتماعی می رسیم. برقع علاوه بر تعرض آشکار به حقوق زن، حقوق اجتماعی را نیز مورد تهدید قرار می دهد. فردی که برقع بر چهره دارد، برای افراد دور و بر و جامعه، بی هویت است؛ قابل شناخت نیست؛ جامعه نمی تواند بطور روزمره با انسان بی صورت و هویت فونکسیون های خود را به پیش برد. بطور مثال در یک محیط کار، چه همکاران و چه مراجعین قادر نیستند با فردی که صورت خود را پوشانده است وارد صحبت، مذاکره یا کار و فعالیت شوند. مساله جلب اعتماد افراد یک فاکتور مهم در پیشبرد فونکسیونهای اجتماعی است. انسان بی چهره این اعتماد را زیر پا می گذارد و یک خلاء مهم اعتماد در محیط کار و در اطراف خود ایجاد می کند.

مساله اعتماد از محیط کار فراتر می رود. در اماکن عمومی، در خیابان، در اتوبوس، زمین بازی کودکان، در هواپیما، در هر محیط عمومی، فرد برقع پوش یک شرایط ناامن برای محیطش ایجاد می کند. در اینجاست که حق فردی با حق اجتماعی در تعارض قرار می گیرد. ممنوعیت پوشش برقع و نقاب مانند ممنوعیت سیگار کشیدن در اماکن عمومی است. فردی که سیگار می کشد حقش محدود میشود باین خاطر که دود سیگار برای افراد دیگر مضر است. حق فردی با حق اجتماعی در تعارض قرار می گیرد و لذا محدود می شود.

در پایان باید یکبار دیگر تاکید کنیم که حجاب را باید دوباره و بدون هیچگونه رومانسیسم حق فردی یا آزادی مذهب تعریف کنیم. حجاب را بعنوان ابزار و سمبل به بردگی کشیدن زنان و تنزل شان انسانی زن برسمیت بشناسیم. مضرات آنرا برای رشد نرمال، آزاد و سالم کودک برسمیت بشناسیم و همچنین مضرات آنرا برای کل جامعه مورد بررسی قرار دهیم. باین ترتیب به واقعیت وجودی حجاب پی خواهیم برد.

اسلامیست های زیرک، همان کسانی که با شلاق حجاب را در محیط های تحت تسلط خود پیاده می کنند، در جوامعی که حقوق مدنی را برسمیت می شناسد، به این حقوق متوسل می شوند تا حجاب را در جامعه به یک پدیده عادی و قابل احترام بدل کنند. باید این راه را در مقابل اسلامیست ها مسدود کرد.

(این مقاله در اصل به انگلیسی نوشته شده و در نشریات متعدد از جمله "متفکر آزاد" در انگلستان و "انفرماسیون" در دانمارک و وب سایت های مختلف بچاپ رسیده است. همچنین به زبان های مختلفی از جمله فرانسه، اسپانیایی، لهستانی، ایتالیایی و دانمارکی ترجمه شده است و بعنوان منبع مرجع توسط بنیاد ها و انجمن های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد.)

۲۶ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۵ آوریل ۲۰۱۱

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر

نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطکاران و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سگس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

به سازمان آزادی زن پیوندید!